

فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران *

دکتر رحمت‌اله صدیق سروستانی
دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

پژوهشهای مربوط به حوزه آسیبهای اجتماعی در کشور ما تقریباً همزاد با طرح مباحث مربوط به جامعه‌شناسی است. پژوهشگران متعددی تلاش کرده‌اند تا آنچه را به نظر آسیب اجتماعی آمده مورد مطالعه قرار داده و علل و عوامل و پیامدهای آن را ارزیابی کنند. اما این پژوهشها همانند کند و کاوهای سایر حوزه‌های علوم انسانی از روش معینی پیروی نکرده و بیشتر تابع سلیقه و علاقه پژوهشگر بوده است. فراتحلیل حاضر، کوششی است برای تحلیل مجدد (بیشتر روش‌شناختی) مجموعه‌ای از این پژوهشهای آسیب‌شناختی و نقدی بر آنچه انجام شده تا ضمن برشمردن نقاط قوت و ضعف این پژوهشها، شیوه فراتحلیل نیز معرفی شود و علاوه بر استوار کردن بنیانی برای جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ایران، نقد پژوهشهای انجام شده در کلاسها و برای محققان و کارشناسان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی : فراتحلیل، آسیب‌شناسی اجتماعی، هدفهای کلان پژوهش، معیاربندی اجزای پژوهش، همسازی عناصر تحقیق.

مقدمه

فراتحلیل^۱ در حوزه مطالعاتی دنیای علمی امروز جایگاه ویژه‌ای دارد. استفاده از برآیند یافته‌های پژوهش‌های مختلف، جهت برنامه‌ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کل آن، از مهمترین عواملی است که موجب اهمیت این نوع مطالعات شده است. از طرف دیگر توسعه و انباشت دانش، رویارویی یافته‌ها برای دریافت پایایی^۲ و آزمون تطبیق‌پذیری آنها در حوزه واقعیّت جهت بررسی روایی^۳ این پژوهش‌ها از جمله عوامل دیگری است که موجب توسعه و تکوین این دانش گردیده است (سشر پانزل ۱۹۹۷، صص ۴۲-۳۴۱).

بنابراین آنچه فراتحلیل بر آن تکیه دارد عبارت است از جمع‌آوری یافته‌های پژوهش از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های آن جهت استفاده علمی و کاربردی. از طرف دیگر مطالعه روش‌شناختی این پروژه‌ها می‌تواند نقاط ضعف و قوت کارهای پژوهشی در کشور را به ما نشان دهد، تا از یک سو با تحلیل روش‌شناسانه در بهینه‌سازی کارهای پژوهشی تلاش کنیم و از سوی دیگر بتوانیم با فراتحلیل یافته‌ها به برنامه‌ریزان در سازمانهای اجرایی کشور مدد رسانیم. در کشورهای توسعه یافته فراتحلیل مطالعه‌ای رایج است که همه ساله، در حوزه‌های مطالعاتی مختلف، انجام می‌شود، به عنوان مثال مجله سالیانه^۴ تحقیقات حوزه‌های متعدد جامعه‌شناسی را ارزیابی و تحلیل می‌کند.

ارزیابی و داوری کارهای پژوهشی انجام شده در ایران با تکیه بر ادبیات پژوهشی، نخستین قدم توسعه و تکوین پژوهش‌هاست که در کشور ما عنایت چندانی به آن نمی‌شود. این غفلت شاید منبعث از این تصور باشد که بازمینی طرحهای انجام شده با نوعی بدنامی برای محققان یا کارفرمایان همراه است. مطالعه فراتحلیل اگر هم منجر به این نتیجه گردد که مطالعات و پژوهشهای انجام شده دربردارنده هیچ نتیجه معقولی نیستند و تنها این پژوهشها وقت و هزینه‌ها را به هدر داده‌اند، باز هم حائز اهمیت است.

مسائل مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی در جامعه ما نسبت به سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی گسترده است و حجم درخوری از پژوهشهای انجام شده در عرصه علوم اجتماعی به پژوهشهای آسیب‌شناسی اجتماعی اختصاص دارد. تنوع و حجم پژوهشها در این حوزه نشان

1. Meta - analysis

2. Reliability

3. Validity

4. Annual Review of Sociology

دهنده ضرورت‌های جامعه و مسائلی است که جامعه دچار آن است.

از سوی دیگر هنگامی که نتایج پراکنده، که در چندین طرح تحقیقاتی وجود دارند به یکدیگر مرتبط می‌گردند، شبکه دائمی دانش به جریان می‌افتد و نتایج و راهکارها با اتصال به یکدیگر می‌توانند در ابعاد متفاوت به حل یک مسأله منجر شوند. از این رو بدیهی است که بخش عمده‌ای از فایده‌هایی که بر این گونه تحقیقات مترتب است متوجه دستگاه برنامه‌ریزی و اجرایی شود.

فایده دیگر نتایج این گونه تحقیقات استفاده از آنها در نظام آموزشی و دانشگاهی است. اطلاعات ناشی از موقعیت یک حوزه مطالعاتی در جامعه می‌تواند مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گیرد و همین طور در غنی‌سازی متون درسی مفید واقع شود. جز اینها دانشجویان با آشنا شدن با نقاط ضعف روش‌شناسی موجود در جامعه می‌توانند در جهت رفع آن تلاش کنند و نظام آموزشی بدین طریق به دنیای پژوهشی متصل می‌گردد.

البته کار فراثلیل با دشواریهایی نیز همراه است و مشکلات زمانی بیشتر می‌شود که با مطالعات گوناگونی در حوزه موضوعی مشترک مواجهیم. هر یک از این مطالعات، متغیرها، روشها و نمونه‌های متفاوت و گاه ناهم‌ساز با یکدیگر را انتخاب کرده‌اند و از همین روی با نتایج متفاوتی مواجه شده‌اند. پراکندگی، تنوع و تفاوت در نتایج تحقیقات ممکن است به این تصور دامن بزند که کار پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی تنها "اتلاف هزینه" است و همین طور این خطر وجود دارد که رفته رفته مطالعات پژوهشی در این حوزه غیرعلمی "پرهزینه" و "بی‌فایده" تلقی شود (ولف ۱۹۸۸، ص ۱۲).

با توجه به اینکه در فراثلیل، پروژه‌های متعدد با نتایج متفاوتی از لحاظ غنای پژوهشی وجود دارد - یعنی برخی پروژه‌ها حاوی یافته‌های ناچیز و برخی نتایج خوبی را دربردارند - بر مشکل فراثلیل بیش از پیش افزوده می‌شود. از این رو در این پژوهش حتی الامکان تلاش کردیم که معیارهایی را انتخاب کنیم تا فاصله علمی و محتوایی پروژه‌ها به حداقل برسد. بر این اساس به پروژه‌هایی که متعلق به سالهای اخیر بودند، توجه بیشتری شد و تنها برای دستیابی به حدنصابی برای پژوهش به سالهای گذشته مراجعه کردیم. همین طور موضوعات آسیب‌شناسانه در حوزه جامعه‌شناسی، حقوق و جرم‌شناسی و علوم رفتاری به طور کلی حذف گردید و به موضوعاتی توجه شد که در حال حاضر در مملکت ما بیشتر به دانشکده علوم اجتماعی اختصاص دارد. از طرف دیگر پایان‌نامه‌های تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در اولویت قرار گرفته‌اند و در نهایت به تحقیقاتی که از لحاظ روش‌شناسی و یا نتایج بسیار فقیر

بوده‌اند، توجهی نشده است. با احتساب این معیارها در این طرح چهل پروژه و پایان‌نامه تحصیلی مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته‌اند.

هدفهای پژوهش

هدف اصلی اجرای این طرح بررسی تحقیقات انجام شده در ایران در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی است. در این فرایند پژوهشی، موضوعات مطالعه شده دسته‌بندی، روشهای به کار گرفته شده بررسی و یافته‌های این تحقیقات دسته‌بندی و تحلیل شده است. همچنین مدل‌های تحقیقاتی رایج که در این تحقیقات بیشتر مورد استفاده قرار گرفته استخراج و معرفی و پیشنهادهای کاربردی این تحقیقات جمع‌آوری و تحلیل شده است. نمودار صفحه بعد هدفهای کلان موضوعی پژوهش را در ۹ مورد آسیبهای اجتماعی انتخاب شده، نشان می‌دهد.

این مقاله دارای دو بخش خواهد بود. بخش اول شامل دسته‌بندی و طبقه‌بندی عناصر بنیادین پژوهشهاست که دربرگیرنده طبقه‌بندی عناوین، هدفها، مبانی نظری و تجربی پژوهش، روش‌شناسی و در نهایت طبقه‌بندی و فراتحلیل نتایج خواهد بود. بخش دوم به ارزیابی روش‌شناسانه پژوهشها اختصاص خواهد یافت که بر مبنای آن پروژه‌ها از منظر روش‌شناختی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

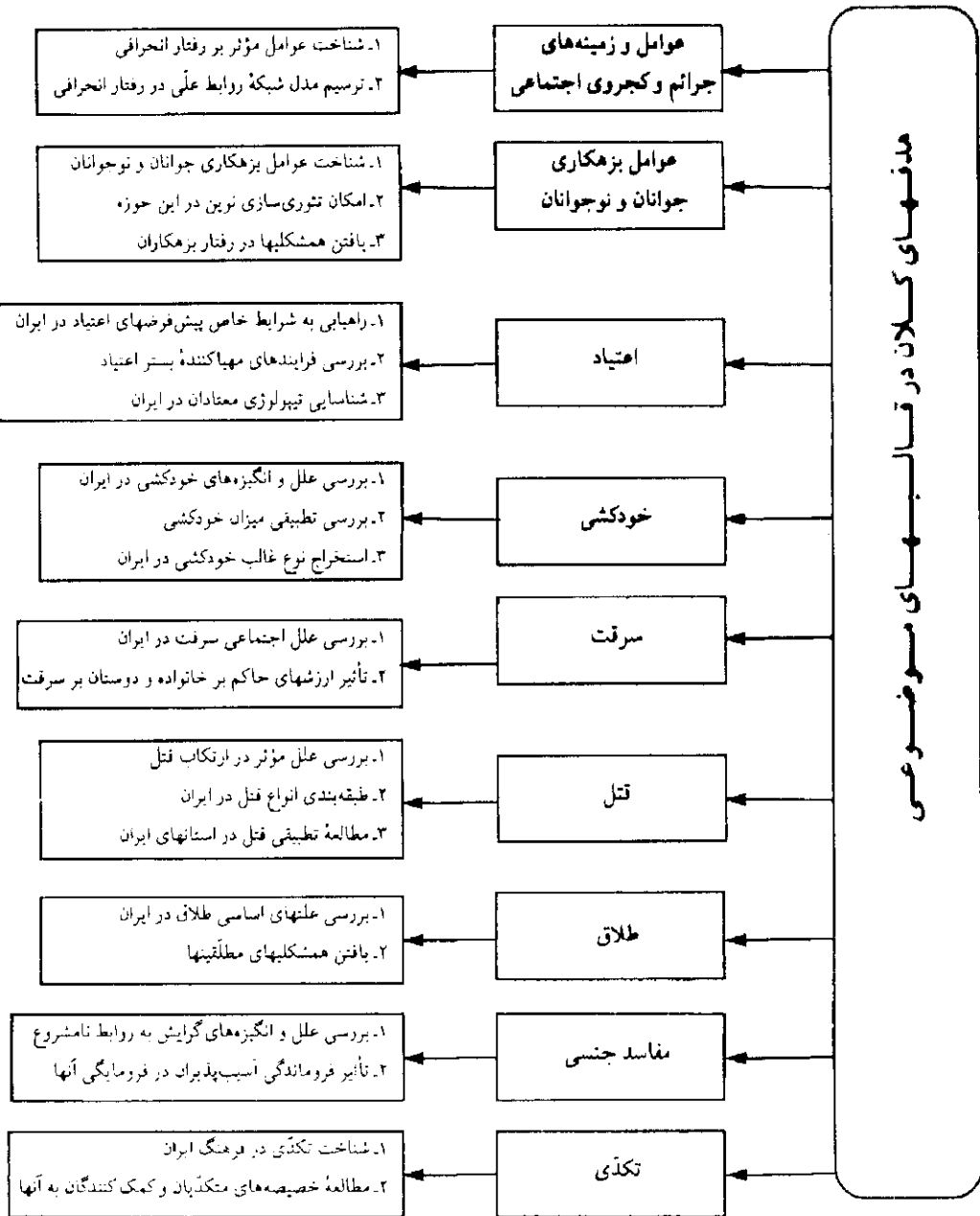
بخش اول: طبقه‌بندی عناصر بنیادین پژوهشها

روش‌شناسی پژوهش

– روش اصلی در این طرح، مطالعه اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران بررسی و اطلاعات مورد نیاز در دسته‌بندی موضوعی، روش‌شناسی یافته‌ها و پیشنهادها ارائه خواهد شد و مورد تحلیل و فراتحلیل قرار خواهند گرفت.

– جامعه آماری و میدان مطالعه عبارت خواهد بود از پروژه‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی که به موضوع آسیب‌شناسی اجتماعی اختصاص داشته است. در یک بررسی مقدماتی بیش از یک صد عنوان در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی به دست آمد که در این میان چهل پروژه و پایان‌نامه تحصیلی، براساس معیارهای زمان اجرای طرح، جامعه‌شناسی بودن موضوع پژوهش،

مفاهیم کلان در قالب‌های موضوعی



مقطع تحصیلی پایان‌نامه، و رعایت حداقلی از قواعد روش‌شناسانه و نتایج آزمون‌ها گزینش شده‌اند.

– تکنیک جمع‌آوری اطلاعات براساس طرح پرسشنامه معکوس و سؤالهای ارزیاب در پرسشنامه خواهد بود که بعد از جمع‌آوری اطلاعات لازم مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت. تکنیک تجزیه و تحلیل بر مبنای تفسیر طبقه‌بندیهای انجام شده و تحلیل همسازی ساختمان پژوهش استوار خواهد بود.

طبقه‌بندی مبانی نظری و تجربی پژوهشهای تحلیل شده

در دسته‌بندی نظریه‌های آسیب‌شناسانه، در مطالعات پژوهشی، پی می‌بریم که چه نوع تئوری‌هایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و چه تئوری‌هایی از سهم کمتری برخوردار بوده‌اند و اینکه آیا این پژوهشها توانسته‌اند وظیفه به آزمون‌کنندگان تئوری‌ها را عهده‌دار شوند؟ و نتیجه آزمون چه بوده است؟ در یک تقسیم‌بندی نظریه‌های مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) نظریه‌های زیست‌شناختی* ب) نظریه‌های روانشناختی ج) نظریه‌های جامعه‌شناختی (صدیق سروستانی، ۱۳۷۴)

از میان پژوهشهای مورد مطالعه ۲۰ درصد فاقد مبانی نظری‌اند، در حالی که این نسبت در ادبیات تجربی تحقیق به ۴۰ درصد می‌رسد. این تفاوت نشان دهنده بی‌توجهی پژوهشگران به مطالعات پیشین در کارهای پژوهشی است. یکی از نقاط ضعف عمده روش‌شناسانه در پژوهشهای مورد مطالعه فقدان بهره‌گیری از تجربه‌های علمی گذشته است.

با جمع‌آوری کل نظریه‌های مطرح شده در ۴۰ پروژه تحقیقاتی و دسته‌بندی این نظریه‌ها در قالبهای مطرح شده‌ای چون زیست‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی، سهم هر یک از تئوری‌ها در کل پژوهشها به شرح زیر بوده است:

تئوری‌های زیست‌شناختی ۷/۸ درصد، تئوری‌های روانشناختی ۱۵/۷ درصد و تئوری‌های جامعه‌شناختی ۷۶/۴ درصد. در میان تئوری‌های جامعه‌شناختی، سهم تئوری‌های انگیزشی ۴۶ درصد، تئوری‌های فرهنگی ۴۱ درصد و تئوری‌های کنترل ۱۳ درصد بوده است. جدول شماره ۱ سهم هر یک از تئوری‌ها را در حوزه‌های نه‌گانه انتخابی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱. سهم هر یک از تئوری‌های آسیب‌شناختی در حوزه‌های نه‌گانه

موضوع	نظریه‌ها	زیست‌شناختی (درصد)	روانشناختی (درصد)	جامعه‌شناختی (درصد)
بررسی عوامل بزهکاری جوانان و نوجوانان	۷/۳	۴/۲	۸۸/۵	
بررسی عوامل ظهور کجروی و جرم	۵	۱۰	۸۵	
اعتیاد	۵	۵	۹۰	
خودکشی	۰	۳۰	۷۰	
سرفت	۴/۳	۴/۲	۹۱/۶	
قتل	۹	۱۹	۷۳	
طلاق	۰	۱۸	۶۹/۷	
مفاسد جنسی	۰	۲۰	۸۰	
تکدی	۴۰	۲۰	۴۰	

نتیجه‌ای که از این جدول به دست می‌آید این است که سهم تئوری‌ها در حوزه‌های مختلف آسیب‌شناختی یکسان نیست. مثلاً در حوزه مطالعاتی طلاق و خودکشی و مفاسد جنسی به نظریه‌های زیست‌شناختی هیچ توجهی نشده در حالی که به وفور از نظریه‌های روانشناختی استفاده شده است.

از مجموعه تئوری‌های جامعه‌شناختی، همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، نظریه‌های انگیزشی بیشترین فراوانی و نظریه‌های کنترل کمترین فراوانی را داشته‌اند. توزیع این فراوانی در همه حوزه‌های مطالعاتی آسیب‌شناختی یکسان نیست. نظریه انگیزشی در حوزه‌های طلاق، خودکشی و تکدی بیش از حوزه‌هایی چون قتل و مفاسد جنسی و اعتیاد مطرح شده است. در مقابل نظریه‌های کجروی فرهنگی در حوزه‌هایی چون مفاسد اجتماعی و اعتیاد و قتل بیش از حوزه‌های فوق مورد استفاده قرار گرفته است. به طور مثال نظریه‌های انگیزشی در طلاق ۵۵ درصد و نظریه کجروی فرهنگی ۱۰ درصد مورد استفاده قرار گرفته است. در مقابل در اعتیاد از نظریه کجروی فرهنگی بیش از نظریه انگیزش استفاده شده است. در نظریه‌های کنترل که در کل پژوهشها کمترین سهم را دارد، در عوض طلاق، سرفت و اعتیاد دارای بیشترین سهم است (۳۵ درصد، ۱۸/۲ درصد و ۱۷/۴ درصد). حوزه‌هایی که کمترین توجه را به نظریه‌های کنترل نشان داده‌اند عبارت‌اند از: خودکشی (۵ درصد)، تکدی و بزهکاری جوانان و نوجوانان (۵ درصد). علی‌رغم آنکه در رتبه‌بندی کلی، نظریه انگیزشی بالاترین و نظریه کنترل پایین‌ترین سهم را داشته است. با مطالعه حوزه‌های متفاوت آسیب‌شناختی این ترتیب تغییر می‌کند.

طبقه‌بندی روش‌شناسی پژوهشها

در این بخش پژوهشهای مورد مطالعه به تفکیک روش، تکنیک‌های نمونه‌گیری، تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، میدان مطالعه، فرضیات و ماهیت تحقیق، بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند و در نهایت سهم هر یک از این مقوله‌ها در روش‌شناسی محاسبه می‌گردد. در جدول شماره ۲، ۴۰ پروژه تحقیقاتی به لحاظ روش شناختی تفکیک و طبقه‌بندی شده است:

طبقه‌بندی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها از ابزار اساسی روش‌شناسی در ساختمان یک پروژه محسوب می‌شوند. در واقع فرضیه‌ها بنای نظری ساختمان تحقیق را به بنای روش‌شناسی آن مرتبط می‌سازند و از این نظر اهمیت خاصی دارند. با این حال در برخی از ساختمانهای پژوهشی نیازی به فرضیه احساس نمی‌شود و در برخی از روش‌شناسیها فرضیات جایی ندارند. در پژوهشهایی که به بررسی ما مربوط می‌شوند ۶۵ درصد پروژه‌ها دارای فرضیه بوده و ۳۵ درصد بقیه از فرضیه استفاده نکرده‌اند. مقایسه این تناسب نشان دهنده استفاده از فرضیه‌ها در بسیاری از پروژه‌هاست، این نتیجه با استفاده غالب از روش پیمایشی در مطالعات بررسی شده همخوانی دارد.

در این بخش مجموعه فرضیه‌هایی که در پروژه‌های مورد بررسی جمع‌آوری شده‌اند، ارزیابی می‌شوند. متغیرهای محوری در فرضیه‌ها استخراج و میزان ارتباط آنها با نظریه‌های متنوع آسیب‌شناختی ارزیابی می‌شود.

فرضیه‌های این تحقیقات همه در یک سطح نبوده‌اند. دسته‌ای از فرضیه‌ها از نظر میزان ارتباط آنها با نظریه‌های متنوع آسیب‌شناختی ارزیابی می‌گردند. این فرضیه‌ها و نمونه‌های دیگری از آن به دلیل چند متغیره بودن، بدیهی نبودن، کارایی نتایج فرضیه‌ها و رسایی گزاره‌های آن از جمله فرضیه‌های مناسب تحقیق بوده‌اند.

دسته دوم شامل فرضیه‌هایی است که صلابت فرضیه‌های درجه یک را ندارند اما در نوع خود دارای مقبولیت‌اند. به عنوان مثال: این دسته از فرضیه‌ها گرچه متغیرهای پیچیده و متنوعی ندارند و تحلیل مسیر آنها به روشنی ممکن است، اما اولاً آزمون پذیرند، ثانیاً شفاف و واضح‌اند، ثالثاً نتایج آنها قابل استفاده است.

جدول شماره ۲. طبقه‌بندی روش‌شناسانه ۴۰ پروژه تحقیقاتی

ردیف	حوزه مطالعاتی	ماهیت پروژه	روش تحقیق	تعداد فرضیه	حجم نمونه (نفر)	میدان مطالعه	تکنیک نمونه‌گیری	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	تکنیک تجزیه و تحلیل
۱	عوامل ظهور کجروی و جرم	کاربردی	اسنادی - پیمایشی	۶	۱۴۰	زندانه‌های تهران	نمونه‌گیری طبقه‌بندی	مصاحبه، مشاهده مستقیم، رجوع به اسناد و مدارک، پرسشنامه	کی دو، تالی کدال، کرامر، ضریب توافق
۲	عوامل ظهور کجروی و جرم	بنیادی	پیمایشی و میدانی	۱۸	۱۲۰	زندان	نمونه‌گیری طبقه‌بندی	مصاحبه و پرسشنامه	کی دو و رگرسیون، آزمون T
۳	عوامل ظهور کجروی و جرم	بنیادی	اسنادی، تحلیل محتوا	۹	۳۰	زندان قصر	تصادفی ساده	مشاهده مستقیم، رجوع به اسناد، پرسشنامه	طبقه‌بندی و تحلیل محتوی، مقایسه زوجی
۴	جرم و بزهکاری جوانان	کاربردی	پیمایشی و میدانی	۷	۱۲۰	زندان قصر	-	مصاحبه و پرسشنامه	کی دو، آمار توصیفی، آزمون T
۵	خودکشی	بنیادی	اسنادی - تطبیقی در دو مقطع زمانی	۹	۴۸ واحد اسناتی ایران	کلید اسناتها	-	اسناد و مدارک	رگرسیون همبستگی، تفکیکی، آزمون T

ردیف	حوزه مطالعاتی	ماهیت پروژه	روش تحقیق	تعداد فرضیه	حجم نمونه (نفر)	میدان مطالعه	تکنیک نمونه گیری	تکنیک جمع آوری اطلاعات	آمار توصیفی، آمارهای آماری، کی دو، نای کدال، گامای گودمن، دی سامر
۶	مفاسد اجتماعی	کاربردی - بنیادی	پیمایشی و میدانی، تحلیل محتوا	۲۴	۲۰۰	زنان تحت پوشش مراکز بازپروری	نمونه گیری سهمیه ای	رجوع به اسناد و مدارک، مصاحبه، مشاهده	رگرسیون، تحلیل همبستگی
۷	جرم و برهنگاری جوانان	بنیادی - کاربردی	پیمایشی - آزمایشی	۳۹	۱۵۰	کانون اصلاح و تربیت تهران	نمونه گیری سهمیه ای	پرستشنامه	رگرسیون، تحلیل همبستگی
۸	سرفت	کاربردی	پیمایشی - میدانی	۴	۱۴۰	سارقین در دادگستری همدان	تصادفی ساده	پرستشنامه	کی دو، نای کدال، آمار توصیفی
۹	قتل	کاربردی - بنیادی	اسنادی - تطبیقی	۷	۲۸ واحد اسناتی در دو منطقه زمانی	اسنادهای کشور	-	رجوع به اسناد و مدارک	رگرسیون، تحلیل سبب
۱۰	خو رکشی	کاربردی	پیمایشی - میدانی	۴	۲۰	شهرستان سوادکوه	تصادفی ساده	پرستشنامه	کی دو، آمار توصیفی

ادامه جدول شماره ۲.

ردیف	حوزه مطالعاتی	ماهیت پروژه	روش تحقیق	تعداد فرضیه	حجم نمونه (نفر)	میدان مطالعه	تکنیک نمونه گیری	تکنیک جمع آوری	تکنیک تجزیه و تحلیل
۱۱	طلاق	کاربردی	اسنادی	-	۳۵۷ پرونده	دادگاه عمومی رشت	نمونه گیری تصادفی ساده	اسناد و مدارک	تحلیل اسنادی
۱۲	جرم و بزهکاری نوجوانان	کاربردی	پیمایشی و میدانی	-	۲۸۰ بزهکار ۱۳۱۸ ساله	کانون اصلاح و تربیت	تصادفی ساده	پرسشنامه	آمار توصیفی، کی دو، آزمون T
۱۳	عوامل ظهور جرائم و کجروی	کاربردی	پیمایشی و میدانی	۷	۱۰۰	زندندان شهرستان قائم	تصادفی ساده	پرسشنامه	ضرب همبستگی کی دو
۱۴	اعتیاد	کاربردی	پیمایشی و میدانی	۶	۶۰۳	زندندان	نمونه گیری سیستماتیک	پرسشنامه	کی دو، ضرب توافق
۱۵	عوامل ظهور جرائم و کجروی	کاربردی	اسنادی	-	-	خانوادهای ایرانی	-	اسناد و مدارک	تحلیل اسنادی
۱۶	بزهکاری نوجوانان	کاربردی	پیمایشی و میدانی	-	۸۰	کانون اصلاح و تربیت	نمونه گیری سیستماتیک	پرسشنامه	رگرسیون، کی دو

ادامه جدول شماره ۲

ردیف	حوزه مطالعاتی	ماهیت پروژه	روش تحقیق	تعداد فرضیه	حجم نمونه (فتر)	میدان مطالعه	تکنیک نمونه‌گیری	تکنیک جمع‌آوری اطلاعات	تکنیک تجزیه و تحلیل
۱۷	سرفت	کاربردی - بنیادی	اسنادی - تطبیقی	۱۰	-	۱۵ شهرستان استان مازندران	-	اسناد و مدارک	تحلیل رگرسیون، کی دو
۱۸	نوجوانان و جوانان	کاربردی - بنیادی	پیمایشی و میدانی	۶	۸۰	دانش‌آموزان راهمندی در تهران	نمونه‌گیری طبقه‌بندی	پرستشنامه	کی دو، آمار توصیفی
۱۹	خودکشی	کاربردی - بنیادی	پیمایشی و میدانی	۱۰	۳۶	خودکشی‌ها در استان گیلان	نمونه‌گیری سیستماتیک	پرستشنامه رجوع اسناد و مدارک	کی دو، رگرسیون
۲۰	خودکشی	کاربردی - بنیادی	پیمایشی - اسنادی	۱۷	۵۲	شهرستان کتول	نمونه‌گیری طبقه‌بندی	رجوع به اسناد و مدارک، مصاحبه همراه با پرستشنامه	آزمون همبستگی، کی دو
۲۱	نوجوانان	بنیادی	اسنادی	-	-	مغز و تحقیقات در ارتباط با مویز	-	اسناد و مدارک	

ردیف	حوزه مطالعاتی	ماهیت پروژه	روش تحقیق	تعداد فرضیه	حجم نمونه (نفر)	میدان مطالعه	تکنیک نمونه گیری	تکنیک جمع آوری اطلاعات	تکنیک تجزیه و تحلیل
۲۲	علل ظهور جرائم و کجروی	کاربردی	اسنادی - میدانی	۱۳	۳۲۰	کل مجرمین دستگیر شده سال ۱۳۷۰ در تهران	نمونه گیری تصادفی ساده	مصاحبه و پرسشنامه	آمار توصیفی، کی دو، رگرسیون
۲۳	طلاق	کاربردی	اسنادی	-	-	اسناد موجود در تهران	-	اسناد و مدارک	روش تجزیه عاملی ازبایطها، جدول علل طلاق
۲۴	جرم و بزهکاری نوجوانان	کاربردی	پیمایشی - اسنادی	-	۴۲۰	اسناد تاریخی	نمونه گیری سیستماتیک	اسناد و مدارک، پرسشنامه و مصاحبه	
۲۵	اعتیاد	کاربردی	اسنادی	-	-	اسناد تاریخی	-	اسناد و مدارک	
۲۶	مناسد جنسی و اخلاقی	کاربردی	پیمایشی - اسنادی	-	۴۲۰	اسناد و مدارک در امور قضایی مراکز بازپروری	نمونه گیری سیستماتیک	اسناد و مدارک، پرسشنامه و مصاحبه	

اداره جدول شماره ۳

تکنیک تجزیه و تحلیل	تکنیک جمع آوری اطلاعات	تکنیک نمونه گیری	میدان مطالعه	حجم نمونه (نفر)	تعداد فرضیه	روش تحقیق	ماهیت پروژه	حوزه مطالعاتی	ردیف
تکنیک تجزیه و تحلیل	اطلاعات	تکنیک نمونه گیری	استاد و قوانین مربوط به سرقت	-	-	اسنادی	کاربردی	سرقت	۲۷
	اسناد و مدارک	-	پرونده ها	-	-	اسنادی	کاربردی	علل جرم و برهمکاری	۲۸
	اسناد و مدارک	-	مقالات و تحقیقات	-	-	اسنادی	بنیادی	علل ظهور جرائم و کجروی	۲۹
کی دو، رگسیون، آنالیز و واریانس	مصاحبه و پرسشنامه	تصادفی ساده	زندانیان مراکز استانیها	۷۹۲	-	پیمایشی و میدانی	کاربردی	قتل	۳۰
کی دو، آزمونهای آماری کرامر، سامرز گاما و ...	پرسشنامه مشاهده	نمونه گیری سهمیه ای	استان لرستان	۱۵۰	۲۵	آزمایشی	کاربردی	قتل	۳۱
ضریب ترانق، آزمون T، تحلیل همبستگی و پرسشنامه	مشاهده مشارکتی و پرسشنامه	نمونه گیری سهمیه ای هدفدار	کانون اصلاح و تربیت	۲۴۰	۸	آزمایشی	کاربردی	جرم و برهمکاری نوجوانان	۳۲
آمار توصیفی، کی دو، آزمون F	اسناد و مدارک	تصادفی ساده	پرونده زنان و مردان مطالعه	۹۰	۸	اسنادی	بنیادی	طلاق	۳۳

تکنیک تجزیه و تحلیل	تکنیک جمع آوری	تکنیک نمونه گیری	میدان مطالعه	حجم نمونه (نفر)	تعداد فرضیه	روش تحقیق	ماهیت پروژه	حوزه مطالعاتی	ردیف
آزمون آمار، کی دو، کرامر و ...	مصاحبه و پرسشنامه	نمونه گیری طبق	زندان قصر	۱۲۰	۱۰	پیمایشی و میدانی	کاربردی	اعتیاد	۳۴
تحلیل عاملی و رگرسیون	مصاحبه و پرسشنامه	سهیمای	سارقین زندانی	نامعلوم	۷	پیمایشی و میدانی	کاربردی - بنیادی	سرفت	۳۵
آمار توصیفی، کی دو، رگرسیون	مشاهده مشارکتی و پرسشنامه	نمونه گیری سیستماتیک	زندان	۳۸	۱۰	پیمایشی و میدانی	بنیادی - کاربردی	بزهکاری جوانان	۳۶
آمار توصیفی، کی دو، رگرسیون	مشاهده مشارکتی و پرسشنامه	نمونه گیری سیستماتیک	معتادان زندانی در مراکز بازپروری تهران	۳۵۰	۶	پیمایشی و میدانی	کاربردی	اعتیاد	۳۷
آمار توصیفی، مدل جدول سازی	مصاحبه و پرسشنامه	-	مکتدیان شهر تهران	-	-	استادی و میدانی	بنیادی	تکدی	۳۸
کی دو، رگرسیون	مصاحبه و پرسشنامه	نمونه گیری سهیمه ها	مراکز بازپروری شورآباد قرچک	۲۴۰	۴	پیمایشی و مقایسه ای	بنیادی - کاربردی	اعتیاد	۳۹
کی دو، رگرسیون، کرامر و ...	مصاحبه و پرسشنامه	تصادفی ساده	ندانگاه اصفهان	۱۲۳ زیر ۲۵ سال	۱۱	پیمایشی و میدانی	کاربردی	بزهکاری نوجوانان	۴۰

اما دسته سوم از فرضیه‌ها هیچ یک از امتیازهای فوق را ندارند. این فرضیه‌ها مغلق، گنگ و ناکارآمد و آزمون‌ناپذیرند. این نوع فرضیه‌ها از جمله فرضیه‌های ضعیف و سست تحقیقات مطالعه شده‌اند، که فاقد معنای روشن، بی‌ارتباط با موضوع تحقیق، آزمون‌ناپذیر و بدیهی به نظر می‌رسند.

از سوی دیگر هیچ فرضیه‌ای با نظریه‌های زیست‌شناختی همسو نبوده است. ۶/۷ درصد فرضیه‌ها از دل نظریه‌های روانشناختی بیرون آمده و ۴۰/۶ درصد فرضیه‌ها به نظریه‌های انگیزشی، ۳۹/۴ درصد به نظریه‌های کجروی فرهنگی و ۱۳/۳ درصد به نظریه‌های کنترل تعلق داشته‌اند. نتیجه آنکه دو نظریه انگیزشی و کجروی فرهنگی بیش از سایر منابع نظری در فرضیه‌سازی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متغیرهای محوری و مهمی که فرضیه‌ها بر آن تکیه داشته‌اند، استخراج و سهم هر یک در فرضیه‌ها مشخص شده است. این متغیرها شامل نقش خانواده، دوستان و همالان، محیط مدرسه، ساختار اجتماعی و نظام ارزشی و ویژگی‌های مرتبط با فرد مانند سن، جنس، پایگاه فرد، درآمد، مذهب و نوع شغل فرد و... بوده‌اند. ۳۹/۳ درصد کل فرضیه‌ها در قالب ویژگی‌های مرتبط با فرد و بعد از آن ۲۶/۳ درصد فرضیه‌ها مطرح‌کننده تأثیر ساختار اجتماعی و نظام ارزشی جامعه در بروز جرم و بزهکاری بوده و ۱۸ درصد فرضیه‌ها نیز بر نقش خانواده تأکید داشته‌اند. ۱۰ درصد به گروه دوستان و همالان و تنها ۶/۴ درصد به نقش محیط مدرسه در بزهکاری و جرائم توجه کرده‌اند.

ترکیب و طبقه‌بندی نتایج تحقیق

۱. فراتحلیل نتایج هنگامی ضرورت می‌یابد که تحلیلهای متعدد و متنوعی در انبار یک حوزه علمی ذخیره شده باشند، بنابراین فراتحلیل مسبق به تحلیلهای موجود در یک حوزه علمی است. تأخیر بهره‌گیری از روش فراتحلیل در جامعه ما بدین علت است که انبارهای دانش ما چندان مملو نیستند. پژوهش در جامعه ما هنوز جوان است. از این گذشته به دلیل ضعف روش‌شناسی و عدم ارتباط ارگانیک پژوهشهای انجام شده با یکدیگر در سالهای مختلف، به نظر می‌رسد که وضعیت پژوهش در جامعه ما فرایند انباشتی خود را طی نمی‌کند. به عبارت دیگر ترکیب و تدوین نتایج، به دلیل پراکندگی بیش از حد موضوعات مطالعه شده، عدم دسترسی دقیق به کلیه کارهای پژوهشی، پراکندگی و عدم ارتباط سازمانهای تحقیقاتی و پژوهشی با یکدیگر، عدم تعامل و تبادل پژوهشگران با یکدیگر، عدم استفاده لازم و کافی از

نتایج پروژه‌های مشابه، به سختی قابل تحقق است.

۲. نکته قابل توجه، به عنوان مانعی برای انجام فراتحلیل نتایج، فقر نتایج است. نتایج به دست آمده، در اکثر تحقیقات به دلیل ضعف روش‌شناختی و ضعف تئوریک، چندان متقن نیست، بنابراین انجام فراتحلیل با تکیه بر این نتایج بیش از پیش مشکل می‌شود.
۳. انباشت و ترکیب نتایج در مطالعه حاضر با تکیه بر طبقه‌بندی هدفها در این مطالعه صورت گرفته است. با توجه به نکات مطرح شده به ترکیب نتایج می‌پردازیم. البته نتایج به دست آمده لزوماً برآمده از دل فرضیه‌ها نیست زیرا برخی تحقیقات اسنادی مورد تحلیل، فاقد فرضیه بوده‌اند.

دسته‌بندی راهکارهای ارائه شده در پژوهشهای باز تحلیل شده

۱. امکانات و فرصتهای مشروع برای گذراندن اوقات فراغت در اختیار افراد گذاشته شود.
۲. رسانه‌های ارتباطی نباید شکاف بین ایده‌آل‌ها و واقعیت‌های موجود در جامعه را افزایش دهند.
۳. متنیه ساختن خانواده‌ها به امر نظارت مطلوب والدین بر فرزندان ضروری است.
۴. زمینه اشتغال و تأمین فرصتهای شغلی مشروع برای اینکه افراد بتوانند به بخشی از هدفهای خود دست یابند، ایجاد شود.
۵. رفاه اجتماعی، گسترش مدارس، پارکها، نظارت صمیمانه‌تر دستگاههای ذیربط می‌تواند در محلات حاشیه‌نشین و فقیر، در کاهش جرم مؤثر باشد.
۶. شرایط آسانتر برای ازدواج و مسکن جوانان فراهم شود.
۷. برنامه تفکیک زندانیان بر پایه‌های: سابقه مجرمیت، سن، خطرناک بودن زندانی و نوع جرم به طور صحیح انجام شود.
۸. برای زندانی در داخل زندان کار ایجاد شود.
۹. بهینه سازی نظام بازپروری زندانیان با استفاده از دانش علمی جدید، کارشناسان متخصص و فضای مطلوب زیست زندانیان و ...
۱۰. آموزش مجرمان در زندان

بخش دوم: فراتحلیل روشی مطالعات مورد بررسی

الف - روش شناسی ارزیابی مطالعات

هر پروژه حاوی بخشی از روشی است که طرق منطقی رسیدن به هدفهای پروژه را هدایت می‌کند. یک پروژه تحقیقی در زمینه مسائل آسیب‌شناختی، معطوف به موضوعی عینی و واقعی است. در حالی که مطالعه حاضر به جای توجه به مسائل آسیب‌شناختی موجود در جامعه، به پروژه‌هایی می‌پردازد که به این مسائل توجه نشان داده‌اند. در بخش اول این مطالعه با یک واسطه با واقعیت خارجی مرتبط می‌شدیم و به طبقه‌بندی و فراتحلیل نتایج توجه نشان می‌دادیم. در این بخش داده‌های مورد مطالعه و میدان تحقیق، خود پروژه‌ها هستند. نه از آن باب که پنجره‌ای به سوی واقعیت‌اند تا از درون آنها به جهان بیرون بنگریم، بلکه از این بابت که قبل از هر چیز به دنبال چگونگی استحکام روایی و بنای منطقی همین پنجره‌ها هستیم. به عبارت دیگر در این بخش به ارزیابی محتوایی پروژه‌ها کاری نداریم، بلکه براساس رویکرد روش‌شناختی به کالبد شکافی پروژه‌ها می‌پردازیم و عناصر بنیادین ساختمان پژوهشی را در حفظ معیارمندی و همسازی میانشان مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

ارزیابی روش‌شناختی مطالعات انجام شده در یک حوزه تخصصی، یک محور مطالعاتی مستقل و در عین حال نوظهور است. این ارزیابی در پاسخ به این سؤالها پدید آمده که "علت اساسی بی‌ثمر یا کم‌ثمر بودن مطالعات انجام شده در یک حوزه چیست؟ و چرا این مطالعات گره از کار فرو بسته‌ای نمی‌گشاید؟ و چرا نتایج به دست آمده ضعیف‌اند؟"

فرض بنیادین این روش شناسی این است که علت اساسی ممکن است در کیفیت ساختمانهای تحقیقاتی موجود در این پروژه‌ها نهفته باشد. مسأله تنها این نیست که آنها از چه روشی بهره گرفته‌اند، بلکه فراتر از آن چگونگی طرح موضوع، هدف، مبانی تئوریک و تجربی، روش‌شناسی، نتایج و راهکارها و ارتباط منطقی و عملی این عناصر با یکدیگر محور ارزیابی این بخش از مطالعه حاضر است.

بدیهی است یکی از مهمترین ثمرات این گونه مطالعات گشوده شدن باب گفتگویی روش‌شناختی در حوزه علوم اجتماعی است که می‌تواند مهیا کننده بستر مطالعات به سمت حوزه‌های بومی علوم اجتماعی در ایران باشد. برای ارزیابی ساختمان تحقیق در این پروژه به مبادی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن می‌پردازیم:

۱. مبادی معرفت شناختی ارزیابی روشی

یک پروژه تحقیقاتی شامل عناصر و اجزایی است که سازمان یک طرح تحقیقاتی را بنا می‌کند. این اجزا و عناصر برای دستیابی به نتایج مطلوب باید معیارمند و دارای انسجام و همسازي کامل باشند. این عناصر عبارت‌اند از: عنوان تحقیق، طرح مسأله، مبانی نظری و تجربی تحقیق، روش‌شناسی تحقیق، نتایج تحقیق و راهکارهای تحقیق. دو طریق برای حصول منطقی این ارزیابی ممکن است.

۱-۱. ارزیابی معیارمندی هر جزء از تحقیق

در این رویکرد هر جزء از پروژه از عنوان آن تا راهکارها و پیشنهادها، صرف‌نظر از ارتباط و همسازي‌اش با عناصر دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر بخش از یک پروژه حاوی معیارهایی برای آن بخش است که یک محقق باید به آن توجه داشته باشد. (دواس، صص ۱۴-۶).

۱-۲. ارزیابی همسازي عناصر و اجزاء تحقیق

در رویکرد دوم عناصر مختلف یک تحقیق صرف‌نظر از اینکه معیارهای علمی خود را رعایت کرده باشند یا نه، در تناسب با یکدیگر و در نهایت به عنوان مجموعه‌ای که همه اجزای آن باید با یکدیگر همساز و همخوان باشند، در نظر گرفته می‌شوند. در غیر این صورت تحقیق دچار تنش ساختاری خواهد شد و نتایج متفن و علمی از آن به دست نخواهد آمد. تناسب منطقی و روشی هر جزء با جزء دیگر و هر عنصر با کل عناصر باید به طریق علمی و روشی بررسی گردد (دواس ۱۳۷۶، صص ۴۴-۱۴).

معیارهای منطقی ارزیابی تناسب اجزاء عبارتند از:

ارزیابی روشی معیارمندی مجموعه اجزای پژوهش

اگر مجموعه عناصر مورد بررسی را در یک ساختمان پژوهشی کنار هم قرار دهیم و امتیازهای آنها را برای یک پروژه تحقیقاتی در نظر بگیریم، آنچه به دست می‌آید امتیازی است که یک پروژه تحقیقاتی از لحاظ رعایت معیارهای علمی در عناصر ساختمان پژوهشی خود داراست.

بر اساس www.SID.ir امتیازهای موجود ۴۰ درصد پژوهشها امتیاز "بالایی" را از لحاظ رعایت

معیارمندی در عناصر خود داشته‌اند. به عبارت دیگر می‌توانیم بگوییم تنها ۴۰ درصد از پروژه‌های مطالعه شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، فاقد اشکال روشی بوده‌اند. در ۴۰ درصد دیگر پژوهشها به طور متوسط معیارهای روشی را رعایت کرده‌اند و به عبارت دیگر به رعایت پاره‌ای از معیارها بی‌توجه بوده‌اند و بالاخره ۲۰ درصد از پژوهشهای مطالعه شده پایین‌ترین امتیاز لازم را کسب کرده‌اند و تقریباً ساختمان پژوهشی این پروژه‌ها فاقد استحکام علمی و روشی بوده است. مجموعه عناصر مورد بررسی در این پروژه عبارت‌اند از تعیین چگونگی ارتباط موارد زیر:

عنوان تحقیق با موضوع آن، هدف تحقیق با موضوع آن، مبانی نظری و تجربی با موضوع، مبانی نظری و تجربی با هدفها، روش‌شناسی با عنوان و موضوع، روش‌شناسی با هدف، روش‌شناسی با مبانی نظری و تجربی، نتایج با عنوان و موضوع، نتایج با هدفها، نتایج با مبانی نظری، نتایج با روش‌شناسی، راهکارها با عنوان و موضوع، راهکارها با هدفها، راهکارها با مبانی نظری و تجربی، راهکارها با روش‌شناسی و راهکارها با نتایج.

براساس مقیاسهایی که ساخته‌ایم ۴۰ مورد تحقیقات مطالعه شده از نمره ۲۱ تا ۶۳ قرار می‌گیرد.

فرا تحلیل روش شناختی پروژه‌های مورد بررسی

پژوهش در حوزه آسیب‌شناسی، همانند دیگر حوزه‌های جامعه‌شناختی، از فرایند و مراحل ویژه‌ای تبعیت می‌کند. احتساب میزان دقت پژوهشگران در رعایت مراحل پژوهش و همین‌طور رعایت معیارها و تناسب اجزایی ساختمان پژوهش، از جمله هدفهای مطالعه حاضر است.

۱. ارزیابی چارچوب متعارف تحقیقاتی

در جامعه ما بدلیل عدم ارتباط اندیشمندان علوم اجتماعی با یکدیگر، شیوه ثابت و معیار پذیرفته شده‌ای برای اجرای یک پژوهش وجود ندارد. در کتابهای روشی، گاهی مراحل و فرایندهای متفاوت به چشم می‌خورد. با این حال پژوهشها می‌توانند متکی بر فرایندها و مراحل تحقیق متعارفی باشند که عموماً با یکدیگر اشتراک دارند. در ۵/۵۲ درصد مطالعات مورد بررسی شیوه‌های متعارف تحقیق رعایت شده است. اما در ۳۷/۵ درصد مطالعات، شیوه‌ها

در شکل منطقی آن رعایت نشده و فرایندها و مراحل از بسیاری جهات مغشوش بوده است. از جمله می‌توان، تداخل هدفهای پژوهش با طرح مسأله، حذف مبانی نظری و مطالعات تجربی، عدم رعایت تقدم هدفهای تحقیق در برابر شیوه نظری، ادغام راهکارهای پژوهش با نتایج، عدم رعایت دقیق منابع و مآخذ را، ذکر کرد.

در ۱۰ درصد دیگر از پروژه‌های مورد بررسی توجه چندانی به مراحل یک پژوهش علمی نشده است و سرفصلهای پژوهش خود را بنا به طبع و سلیقه خودشان تعیین کرده‌اند. بنابراین در بخش قابل توجهی از پژوهشها، در رعایت مراحل تحقیق، کوتاهی شده است، هم از این رو ضروری است خبرگان این حوزه شیوه متعارف و فرایندی استاندارد شده در پژوهش علوم اجتماعی پیشنهاد و معرفی کنند.

۲. وضعیت عناصر و اجزای ساختمان تحقیق

بهترین وضعیت به هدفهای تحقیق و روش‌شناسی تحقیق مربوط می‌شود که در هر دو مورد مجریان ۵۷/۵ درصد از پروژه‌ها توانسته‌اند معیارهای علمی این بخشها را به خوبی مورد توجه قرار دهند. در زمینه طرح مسأله، این نکته قابل ذکر است که در بخش عمده‌ای از پروژه‌ها مسائل دقیق و گویا طرح نشده‌اند. جای بسط منطقی و تشریح جامعه‌شناختی مسائل در بیش از ۵۵ درصد پروژه‌ها خالی است. در زمینه مبانی نظری و تجربی تحقیقات باید گفت که تنها در ۲۵ درصد از تحقیقات مبانی قابل قبولی عرضه شده است. در ۵۰ درصد از تحقیقات همواره نقاط ضعفی در زمینه رعایت معیارهای روشی ملاحظه شده است. همواره بخشی غیرجامعه‌شناختی در مبانی نظری وجود داشته که معمولاً اثراتی در جهت دهی پروژه نداشته است. محققان کمتر مشخص کرده‌اند که از حجم انبوهی که تحت عنوان مبانی نظری در گزارش خود نقل کرده‌اند، دقیقاً از کدام نظریه یا نظریه‌ها در تحلیل خود بهره جسته‌اند. از نقاط ضعف اساسی در این بخش این است که نظریه‌ها کمتر برای تحلیل و تبیین مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بلکه تنها تحقیق از جنبه‌های نظری آنها انباشته شده است.

این موضوع، مبین ویژگی "پژوهشهای تجاری" است که در آن محقق برای خوشایند کارفرما، حجم کثیری از مطالب بلااستفاده و نامربوط با تئوری‌ها را در پروژه خود می‌گنجاند. طبق مطالعه انجام شده در ۷۱ درصد از پروژه‌ها و پایان‌نامه‌ها بیش از ۲۰ درصد از حجم مطالب صرفاً به بیان تئوریهایی از این نوع اختصاص یافته است. در حالی که تنها در ۱۲/۵ درصد از پروژه‌ها، ۸ درصد از حجم پژوهش مصروف این بخش شده است. اگر چه نمی‌توان حد معین و

استاندارد شده‌ای از میزان استفاده از تئوری‌ها در پژوهش ارائه داد، اما بلااستفاده ماندن این حجم کثیر از تئوری‌ها در پژوهشهای آسیب‌شناختی، نشان دهنده ضعف بنیادی در این بخش از تحقیق است.

در بخش روش‌شناسی گرچه وضعیت بهتری نسبت به سایر عناصر تحقیق مشاهده شده است، با این حال همین قسمت نیز دارای ضعفهای اساسی است. برای نمونه رعایت منطق فرضیه‌سازی مورد توجه محققان بوده است. در برخی پژوهشها به روشنی مشخص نشده است که کدام فرضیه تأیید و کدام رد شده‌اند. در بخش دیگری از پژوهشها، بالاخص پایان‌نامه‌های دانشجویی، همواره فرضیه‌هایی وجود دارند که مورد آزمون قرار نگرفته‌اند. علی‌رغم آنکه از نظر روشی محدودیتی برای استفاده از تعداد فرضیه‌ها نیست، در پروژه‌هایی از فرضیه‌های متعدد و غنی استفاده شده و در مقابل تحقیقاتی با فرضیه‌های کم و فقیر انجام شده است که البته گاهی قلت فرضیه‌ها در برخی از پژوهشها مانع دستیابی به نتایج قابل استفاده شده است.

از دیگر نقاط ضعف روش‌شناسی پروژه‌های کمی عدم استفاده از تکنیک‌های مطلوب و پیشرفته تجزیه و تحلیل اطلاعات است، مثلاً تکنیک‌های تحلیل مسیر، تحلیل عوامل و ... بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در حوزه نتایج تحقیق، تنها در ۳۷/۵ درصد از پروژه‌ها نتایج متقن و معتبر ارائه شده است. بقیه یافته‌ها یا مبتنی بر بنیانهای علمی نبوده و یا فاقد بنیان نظری بوده‌اند. در بسیاری از یافته‌ها کمتر به متغیرهای اساسی اجتماعی که بتوان به واسطه آن به حل مسائل پرداخت، اعتنایی کرده‌اند. همچنین محققان این دسته از پروژه‌ها در ذکر نتایج، توجهی به برد تعمیم آن نداشته‌اند و در برخی موارد نتایج خود را همراه با افراط در تعمیم بخشی ذکر کرده‌اند.

در زمینه راهکارهای پژوهشی تنها در ۲۵ درصد از پژوهشها راهکارهای معتبر و تحقق پذیر ارائه شده است. بسیاری از راهکارها بدون در نظر گرفتن امکانات و توانایی جامعه مطرح شده‌اند. بعلاوه برخی از راهکارها آن قدر کلی هستند که معمولاً حتی بدون انجام تحقیق هم مسئولان و برنامه‌ریزان آنها را مطرح می‌کردند. اعتبار عملی این گونه راه‌حلهای پیشنهادی نیز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

ضعف عمده شاید به این مطلب مربوط می‌شود که اساساً تجربه استفاده از رهنمودهای طرحهای پژوهشی در مراکز و سازمانهای اجرایی بسیار کم است. از آنجا که پژوهشها بلااستفاده باقی می‌مانند و کمتر در برنامه‌ریزیها مورد استفاده قرار می‌گیرند، محققان و پژوهشگران هم کمتر به تحقق‌پذیری و ساز و کارهای دقیق اجرایی راهکارها توجه دارند. با مطالعه تطبیقی در

ساختمان پژوهش پی می بریم بیشترین ضعف پروژه‌ها، در طرح مسأله، مبانی تئوریک و تجربی و نتایج تحقیق و راهکارهای پژوهش است. از این رو باید به این عناصر از پژوهش بیشتر توجه شود.

در نهایت تنها در ۴۰ درصد از پروژه‌ها، معیارهایی را که برای اجزا و عناصر تحقیق برشمردیم، در حد قابل قبولی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ۴۰ درصد دیگر نسبت به برخی از معیارها در بخشی از عناصر ساختمان پژوهشی سستی وجود داشته است و ۲۰ درصد از پروژه‌ها نیز از لحاظ رعایت معیارمندی اجزا و عناصر تحقیق حد پایینی داشته‌اند. با اندک تأملی می‌توان گفت که تحقیقات و پایان‌نامه‌ها از لحاظ رعایت معیارهای پژوهشی در وضعیت مناسبی قرار ندارند و از این منظر باید بیشتر مورد توجه واقع شوند.

۳. همسازی میان عناصر ساختاری تحقیق

یکی از معضلات روش‌شناختی در پژوهشهای مطالعه شده، عدم همسازی بین موضوع تحقیق و عنوان تحقیق است. این ضعف بیشتر ناشی از عدم توجه محققان در تفکیک بین این دو مفهوم است. در کارهای پژوهشی بیشتر محققان مایل اند عناوینی کلی‌تر و عام‌تر نسبت بدانچه مطالعه می‌کنند، انتخاب شود. این بزرگ‌نمایی عناوین پژوهشی بی‌ارتباط با سوگیری تجاری تحقیقات اجتماعی در ایران نیست. آنچه در مطالعه حاضر به دست آمده است مبین این است که حدود ۴۵ درصد مطالعات و تحقیقات عناوینی نامتناسب با موضوعی که در مورد آن مطالعه شده، انتخاب کرده‌اند. هدفهای پژوهشی در ۳۰ درصد از پروژه‌های مورد بررسی، همواره همان‌هایی نبوده‌اند که موضوع آن پژوهشها به دنبال آن بوده است. برخی از پژوهشها هدفهایی بیش از آنچه از عنوان تحقیق برمی‌خیزد، مطرح کرده بودند و برخی دیگر از پژوهشها بخشهایی از اهداف را، که می‌توانست متناسب با موضوع پژوهش طرح باشد، فراموش کرده‌اند.

بخش عمده و قابل توجهی از ضعف عدم همسازی عناصر پژوهشی به عناصری برمی‌گردد که با مبانی نظری و تجربی پروژه‌ها مرتبط می‌شوند. مبانی نظری همواره حاوی عناصری ناهم‌ساز با دیگر عناصر تحقیق بوده‌اند. حجم گسترده مبانی نظری و غیر جامعه‌شناختی بودن بخشی از نظریه‌ها از عواملی هستند که به این ناسازگاری دامن می‌زنند. بخشی از نظریه‌ها که در پروژه‌ها ذکر شده‌اند موجب ناهم‌سازی با موضوعات تحقیق و هدفهای آنها گردیده‌اند. در ۵۵ درصد از پروژه‌ها، مبانی نظری و تجربی می‌تواند منبع قابل توجهی برای فرضیه‌سازی پروژه‌ها تلقی گردد. در حالی که این همسازی در بخشی از پروژه‌ها به حداقل

می‌رسد و همواره پتانسیل عمده فرضیه‌سازی که در این منابع وجود دارد چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

با استخراج حداکثر فرضیه‌های ممکن از منابع مذکور دو فایده علمی بر آن مترتب می‌شود: یکی اینکه غنای فرضیه‌های تحقیقات به حداکثر می‌رسد و این خود به غنای نتایج مدد می‌رساند و دیگر آنکه از این طریق مدل‌های نظری و یافته‌های تجربی پیشین مجدداً محک زده و بدین طریق به اعتبار یافته‌ها در حوزه مطالعاتی کمک می‌شود. مع الوصف مطالعه حاضر حاکی از انفصال مبانی نظری و تجربی با فرضیه‌سازی و در نهایت با نتایج تحقیق است. این نکته که زبان نتایج تحقیق باید آمیخته با زبان چارچوب تحلیل باشد نیز باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد. نتایج پژوهشها از این حیث بسیار فقیرند؛ حال آنکه تنها در سایه ارتباط با چارچوب نظری و استفاده از تجربه‌های مطالعات گذشته است که تحقیقات فعلی می‌توانند به سطح نظریه‌پردازی برسند. تنها در ۱۵ درصد از پروژه‌ها همسازی بین مبانی نظری و تجربی با نتایج تحقیقات به چشم می‌خورد. عمده مطالبی که تحت عنوان نتایج در تحقیقات آورده شده، صرفاً توصیف ساده‌آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل جدولهای آماری است، در حالی که نتایج به دست آمده باید در چارچوب نظری مطرح شده تبیین گردند و از توصیف صرف داده‌ها فراتر روند. تنها در چنین صورتی است که جامعه‌شناس فراتر از آماردان قرار می‌گیرد. تقلیل نتایج جامعه‌شناختی به نتایج آماری یکی از ضعفهای عمده روشی این مطالعات است. بنابراین از آنجا که تأیید یا رد فرضیه‌ها و نتایج آماری ناشی از آزمون در قالب نظری فرضیه‌ها تبیین نمی‌شوند، در بخش نتایج تحقیق هم شاهد تأیید یا رد هیچ مدل نظری نبوده‌ایم.

مهمترین نتیجه این ناهمسازی، بیش از حد، این است که تحقیقات آسیب‌شناختی در ایران روند انباشتی خود را طی نکرده است. در حالی که تنها با پیوند نتایج به دست آمده در پژوهشهای متفاوت است که دانش بومی مرتبط با موضوع در فرایند زمانی خلق می‌شود و رشد می‌کند.

در مورد راهکارهای تحقیقات نیز این ناهمسازی مشهود است. برخی از راهکارها فراتر از چیزی است که می‌توان از موضوع پژوهش انتظار داشت، برخی از آنها اساساً ربطی به مسأله پژوهش ندارند و برخی دیگر هم مبهم و بسیار کلی و برای مسؤولان اجرایی و کارشناسان، فاقد استفاده علمی هستند. دو بخش عنوان تحقیق و راهکارهای تحقیق به طور مشابهی دچار ناهمسازی با عناصر دیگر ساختمان پژوهش‌اند. چون به دلیل عدم تسلط فضای علمی بر تحقیقات (و حضور علائق سیاسی و اجرایی و به طور کلی سلیقه‌های تجاری) پژوهشگران

طالب بزرگ‌نمایی عناوین و ارائه راهکارهای کلی و غیرعلمی هستند. پژوهشگران باید توجه بیشتری به نقش میانی نظری و تجربی و ارتباط آن با سایر عناصر تحقیق و بهینه‌سازی روابط بین این عناصر داشته باشند. به طور خلاصه از مجموعه تحقیقاتی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تنها در ۳۲/۵ درصد از تحقیقات همسازی قابل توجهی میان عناصر تحقیق وجود داشته است. ناهمسازی ارگانیک میان عناصر در ۳۷/۵ درصد از پژوهشها مشاهده شده و در ۳۰ درصد از تحقیقات این اختلال ارگانیک و ناهمسازی بسیار زیاد بوده است. به عنوان یک نتیجه کلی می‌توان گفت که وجود ناهمسازی ارگانیک بین عناصر پژوهشی و عدم توجه به معیارمندی عناصر ساختمان پژوهش، حکایت از آسیبهای جدی در مطالعات و تحقیقات آسیب‌شناختی ما دارد.

نمونه‌هایی از ضعف معیارمندی و ناهمسازی ارگانیک در مطالعات آسیب‌شناختی

۱. مطالعه‌ای تحت عنوان "دریوزگان"، "پژوهشی در شناخت تکدی در ایران" (ساروخانی ۱۳۷۱) انجام گرفته است که در اینجا سعی می‌شود، به عنوان نمونه، بخشی از ناهمسازیهای موجود در این پروژه را نشان دهیم:

الف. از ۲۸۲ صفحه کل پژوهش ۹۰ صفحه به مباحث نظری اختصاص یافته است. صرفنظر از این حجم ناهم‌ساز برای پروژه، عمده مباحث به نظریه‌های زیست‌شناختی و نظریه‌های غیر جامعه‌شناختی چون دهخدا، سعدی و غزالی اختصاص یافته که در نهایت محقق از این حجم انبوه نتوانسته استفاده‌ای در نتیجه‌گیری و دیگر اجزای تحقیق ببرد. تحقیقات تجربی و پیشین این پروژه تنها اختصاص به مطالعه انجام شده بیهقی (قرن ۴) دارد که نشان دهنده رعایت نکردن معیارهای جامعه‌شناختی در ساختار پژوهش است.

ب. روش تحقیق این پروژه علاوه بر روش اسنادی، روش پیمایشی و میدانی است که با تکمیل پرسشنامه و مصاحبه همراه بوده، در صورتی که در طراحی پرسشنامه، تحقیق فاقد فرضیه‌ها بوده است، در حالی که در طرح مسأله و هدفها به ریشه‌کن کردن تکدی اشاره شده است. تحقیق بیشتر توصیفی است تا تحقیق علی، چونکه نتایج مطرح شده صرفاً توصیف و ویژگیهای سنی، جنسی و ... متکدیان و کمک‌کنندگان به متکدیان بوده

است.

ج. محقق از مبانی نظری هیچ استفاده‌ای در روش‌شناسی (فرضیه‌سازی) و نتایج نکرده و صرفاً در حد ارائه یک گزارش اکتفا کرده است، در حالی که طرح مسأله اشاره به ریشه‌کنی تکذبی دارد.

د. خلاصه آنکه پروژه مورد بررسی هیچ گونه نتایج جامعه‌شناختی دربرنداشته و به توصیف‌های آماری و جمع‌آوری نظریه‌های صاحب‌نظران در باب تکذبی تقلیل یافته است. ۲. در مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی از هم‌گسیختگی خانواده، فقر اقتصادی و اعتیاد به جرایم سرقت و فروش مواد مخدر" (زمانی پور ۱۳۶۶) عنوان نادرست و ناساز تحقیق قبل از هر چیز مورد توجه قرار می‌گیرد. این مطالعه فاقد طراحی درست مسأله و فاقد مطالعات تجربی پیشین است. راهکارهای مطرح شده در این مطالعه کلی و در عین حال نامرتب با نتایج تحقیق است. در بخش مبانی نظری به ذکر یازده نظریه درباب انحرافات پرداخته که تنها از دو نظریه در فرضیه‌سازی استفاده شده است و نتایج تحقیق نیز ارتباط محتوایی با مبانی تئوریک ندارد. نتایج با هدف‌های مطرح شده ناهم‌ساز است. در هدف‌ها ذکر شده است که محقق به دنبال تبیین و ریشه‌جویی جرم‌های سرقت و فروش مواد مخدر است، در حالی که در این موارد تبیینی صورت نگرفته است.

۳. مطالعه‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر و تداخل پاره‌فرهنگ زندانیان در پروسه اجتماعی شدن مجدد" (سهراب‌زاده ۱۳۶۶) انجام گرفته که ناهم‌سازیهایی در این پژوهش مشاهده می‌شود. از نظر مبانی تئوریک و نظریه‌های جامعه‌شناختی بسیار ضعیف است. در بخش منابع نظری از تاریخچه و فلسفه زندان سخن گفته، در حالی که مطالعه پاره‌فرهنگ، به تئوری‌های جامعه‌شناختی خاص خود نیاز دارد. از تحقیقات تجربی پیشین بهره‌ای نبرده است. در فرضیه‌سازی از تئوری‌هایی استفاده کرده که در مبانی تئوریک تشریح نشده و منابع اخذ فرضیه‌ها را نیز ذکر نکرده است. در آزمون فرضیه‌ها تأیید یا رد فرضیه‌ها را به صورت منفرد و برای هر فرضیه روشن نکرده است. بین نتایج تحقیق با چارچوب نظری آن همخوانی وجود ندارد. به جای طرح راهکارهای مربوط از راهکارهایی یاد کرده که با موضوع پژوهش، هدف‌ها و نتایج به دست آمده سنخیتی ندارد. برای مثال به عنوان راهکار آورده است: "نوسازی ساختمان و رسیدگی هر چه بیشتر به نظافت اتاقها" روشن است که این راهکار ربطی به جامعه‌پذیری مجدد زندانیان و پاره‌فرهنگ آنها ندارد.

۴. در مطالعه تطبیقی دگرگشی جنائی در استانهای ایران" (کشکولی ۱۳۷۴) از مجموع ۱۳۱

صفحه پروژه ۸۷ صفحه تنها به چارچوب نظری و مطالعات تجربی پیشین اختصاص یافته است. حجم ناموزون این بخش از تحقیق در برابر بخشهای دیگر از شیوه‌های رایج در پروژه‌هایی است که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. با توجه به این حجم از مطالب تئوریک و ذکر پیشینه تجربی، در فرضیه‌سازی استفاده بسیار کمی از نظریه‌ها شده است. نظریه‌های زیست‌شناختی بدون استفاده و تنها برای حجیم کردن تحقیق آورده شده‌اند. هدفها با نتایج سر ستیز دارند؛ در حالی که در این تحقیق ذکر شده است که هدفهای تحقیق "آزمون مدل تحلیلی از چارچوب نظری استنتاج شده"، "ارائه مدل بازسازی شده"، "کمک به برنامه‌ریزان جهت کاهش این نوع جرائم است" نه مدل تحلیلی تدوین شده و نه مدل مورد آزمون و بازسازی قرار گرفته و نه اساساً راهکاری در بخش نتایج برای تقلیل این نوع جرم ارائه شده است. پروژه‌های دیگر کمابیش از چنین ضعفهایی برخوردارند که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می‌شود.

نتایج و راهکارها

۱. بازمینی پژوهشهای انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی نشان داده است که پژوهش در جامعه ما، نیاز شدید به سامان‌دهی مجدد دارد. موضوعات پژوهشی، فرایند اجرای پژوهش، روشهای به کار گرفته شده و تدوین نتایج و راهکارها، باید مورد تجدیدنظر روش‌شناختی قرار گیرند و دارای دقت علمی باشند. دستیابی به دقت علمی، مدیون مطالعاتی از این قبیل فراتحلیلهاست تا در سایه این گونه مطالعات با رفع کاستیهای روش‌شناختی، پژوهشها سامان بهتری یابند.

۲. مطالعه حاضر، وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران، خصوصاً تحقیقات آسیب‌شناسی اجتماعی را روشن می‌کند و علاوه بر فوایدی که در سامان‌دهی و سامان‌یابی نظام پژوهشی دارد، به نظام آموزشی در این حوزه هم مدد می‌رساند. اختصاص یافتن فصلهایی از کتابهای درسی آسیب‌شناسی اجتماعی به وضعیت تحقیقات در این حوزه در جامعه ما، می‌تواند ذهنیت دانشجویان را از فضای آموزشی به فضای پژوهشی سوق دهد و از این طریق با رفع کاستیهای مطرح شده در نظام پژوهشی موردنظر مواد درسی آموزشی اصلاح و تکمیل گردد.

۳. نتایج این پژوهش به نوعی می‌تواند برای محققان و استادان این حوزه، سازمانهای پژوهشی و مراکز آذاری و اجرایی مورد توجه واقع شود و زمینه‌های همکاری بین این سه حوزه را

فراهم کند. در سایه اتصال این عناصر با یکدیگر، آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی، مجال بیشتری برای آشنا شدن با یکدیگر می‌یابند که نتایج آن می‌تواند در غنای متون درسی، اصلاح نظام پژوهشی و حل مشکلات اجتماعی از طریق برنامه‌ریزی کمک مؤثری باشد.

۴. براساس نتایج فراتحلیل حاضر می‌توان به برخی از ضعفهای موجود در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی اشاره کرد. طبقه‌بندی عناوین و موضوعات نشان داده است که سه دسته کمتر از همه، مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند. اول اینکه از مطالعه جرائم مربوط به کودکان و آسیبهایی که زمینه‌های آن میان کودکان است و بیشتر مرتبط با این گروه سنی است، غفلت شده است؛ دوم اینکه مطالعات راجع به زنان در جامعه ما بسیار کمتر از مطالعات مربوط به مردان است؛ کجروی‌ها و جرائم اختصاصی که مخصوص زنان است می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای مطالعه و بررسی باشد و سوم اینکه مسائل آسیب‌شناختی مربوط به کهنسالان نیز در خور توجه بیشتر است که به دلیل جوان بودن جامعه ما کمتر به آن پرداخته شده است.

۵. دسته‌بندی هدفها حاکی از آن است که هدفهای پژوهشی جایگاه مهمی دارند. اما هنگامی که آنها را با نتایج به دست آمده مقایسه می‌کنیم به فاصله بین آن دو پی می‌بریم. نتایج تحقیقات بسیار کمتر از آن چیزی است که محقق در هدف به دنبال آن است. حلقه واسطی که هدفها را به نتایج ملحق می‌کند مبانی نظری و تجربی و روش‌شناختی تحقیق است. ضعف اساسی در این دو، بالاخص در فرضیه‌سازی، زمینه شکاف بین هدفها و نتایج را فراهم می‌کند. فقر مقولات تجربی و مطالعات پیشین، گسترده‌گی بی‌مورد مبانی نظری، عدم استفاده از مدل‌های نظری ترکیبی از جمله مواردی است که در تحقیقات آسیب‌شناسی مشاهده شده است.

در روش‌شناسی، فرضیه‌ها لولایی میان مبانی نظری و سایر اجزای روش‌شناسی هستند که عملکرد آنها به استحکام و غنای تحقیقات منجر می‌شود. برخی از پژوهشها از این نقش اساسی فرضیه‌ها غافل‌اند. عدم توجه و مطالعه باند بزهکاران در حال فعالیت، گروه متکدیان و ... موجب غفلت از استفاده روش مشاهده مشارکتی در پژوهشها شده است. مشاهده مشارکتی موجب نتایج دقیقتری می‌شود. برعکس پرسشنامه که به شیء شدن مددجویان و بزهکاران منجر می‌گردد، مشاهده مشارکتی با انسانی‌تر کردن پژوهش، ما را در دستیابی به نتایج معتبر مدد می‌رساند. از سوی دیگر در روشهای کمی، عدم استفاده از تکنیک‌های جدید و پیچیده آماری از جمله نقائص دیگری هستند که در روش‌شناسی وجود

۶. فراتحلیل نتایج، در حوزه‌های متفاوت آسیب‌شناختی، یکسان نیست. مثلاً بررسی علل بزهکاری نوجوانان و جوانان، بررسی علل قتل در ایران و ... نسبت به حوزه‌هایی چون سرقت، طلاق و ... وضعیتی مناسبتر دارند، اما نتایج عموماً در تحقیقات موردنظر فاقد بینانهای نظری است. فقر فرضیه‌ها، عدم اتصال مناسب به مقولات تجربی تحقیق و عدم بهره‌گیری از شیوه تحلیل و نظری تحقیق، موجب شده است که نتایج مطالعات با هدفهای اولیه تحقیقات خود فاصله پیدا کند. عدم دسترسی به نتایج مناسب و غنی یکی دیگر از مشکلات اساسی تحقیقات ماست. به همان میزان راهکارهایی که تحقیقات ارائه می‌دهند فاقد اعتبار علمی و عملی است. ساز و کار تحقق‌پذیری در ارائه راهکارها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از توانایی جامعه موردنظر نیز، با توجه به امکانات و هزینه‌ها، در اجرای راهکارها غفلت می‌شود. نسخه درمان، اغلب با دردی که پزشک تشخیص می‌دهد در ارتباط است. این ارتباط در پژوهشهای اجتماعی به حداقل می‌رسد و به عبارت دیگر راهکارها کمتر متکی بر نتایج تحقیقات هستند.

۷. براساس ارزیابی روشی ساختمان تحقیق، اختلال ارگانیکی اجزا و عناصر تحقیق یکی دیگر از ضعفهای پژوهشهای آسیب‌شناختی است. برخی از تحقیقات معیارهای علمی و روشی را در عناصر تحقیق خود مورد توجه قرار می‌دهند. مثلاً بعضی تحقیقات از نظر اصول فرضیه‌سازی مشکلات اساسی دارند. این قبیل موارد نشان دهنده این است که آموزش روش تحقیق در حوزه علوم اجتماعی همچنان محتاج تأکید و ترویج فراوان است. پرورش ناصحیح دانشجویان رشته علوم اجتماعی در درس روش ممکن است یکی از مشکلات اساسی در بنا کردن یک طرح پژوهشی معیارمند باشد. ناهمسازی ارگانیک موجود در عناصر تحقیق از جمله مواردی است که باید به رعایت نکردن معیارمندی عناصر تحقیق افزوده شود. پژوهشگر باید بپذیرد که عناصر بنیادین تحقیق (موضوع، هدف، مبانی فکری و تجربی فرضیه‌ها، روش نتایج و راهکار) با یکدیگر ارتباطی منطقی دارند، به گونه‌ای که هر یک از این عناصر هموارکننده مسیر برای عنصر بعدی تحقیق است و دستیابی به نتیجه‌ای متقن منوط به رعایت این همسازی و همخوانی با عناصر پیشین تحقیق است.

۸. اگر توصیف، تفسیر و تبیین، سه حلقه کلیدی در یک فرایند مرتبط باشند، در آن صورت در اغلب پژوهشهای مورد مطالعه ما تا مرز تفسیر پیشتر نرفته‌اند و هم از این رو ضعف دیگر موجود در پژوهشهای آسیب‌شناختی، فقدان تبیین جامعه‌شناختی از فرضیه‌ها و آزمون آنها و نتایج به دست آمده است و به همین جهت تفسیر داده‌ها محقق را از جامعه‌شناس به

آمارشناس تبدیل می‌کند. البته "پرسشنامه‌گرایی افراطی" در تحقیقات علوم اجتماعی در جامعه ما از جمله مواردی است که به آماری شدن پژوهشها منجر شده است. در تبیین جامعه‌شناختی نتایج، محقق باید بازگشتی به چارچوب نظری و تحلیل خود داشته باشد. مطالعه حاضر نشان داده است که این بازگشت انجام نمی‌شود و به دلیل انقطاع این حلقه ارتباطی، تبیین نتایج صورت نمی‌گیرد. با توجه به فقدان این ارتباط هیچ مدل نظری مورد آزمون قرار نمی‌گیرد، ترمیم نمی‌شود و لذا از دل نتایج نیز هیچ مدل نظری بیرون نمی‌آید و زمانی که نتایج تحقیقات نتوانند بستر مناسب نظری را موجب گردند سخن گفتن از دانش بومی ممکن نخواهد بود.

۹. تحقیقات اجتماعی در ایران رو به سوی فردگرایی و تجزیه‌گرایی دارد. به این معنا که محقق خود را در یک فضای به هم پیوسته از مجموع تحقیقات و پژوهشگران حس نمی‌کند. تجزیه‌گرایی تحقیقات دو پیامد منفی دارد. اول اینکه بین تحقیقات هیچ گونه گفتگویی وجود نخواهد داشت، در حالی که تنها در سایه مواجهه تحقیقات با یکدیگر و استفاده از تجربه‌های متنوع است که پژوهشها بر دوش یکدیگر سوار می‌شوند و دانش را به پیش می‌برند. انفصال ارتباط محققان در یک رشته مشترک، عدم اطلاع از تحقیقات متنوع در یک حوزه مشترک و محرمانه تلقی شدن نتایج پژوهشها در برخی سازمانها و اداره‌ها از جمله عواملی است که مانع تعامل میان تحقیقات می‌شود.

دومین پیامد منفی تجزیه‌گرایی این است که محققان خود را بیرون از یک جهان علمی همبسته و مرتبط با یکدیگر در نظر می‌گیرند. بنابراین یک پژوهش آسیب‌شناسی هنگامی که در شرف اجراست، تنها به عنوان یک پروژه که برای فلان سازمان انجام می‌گیرد، به اجرا درمی‌آید و کمتر پژوهشگری است که اجرای پژوهشهای خود را در جهت تکوین و پیشرفت جامعه‌شناسی انحرافات در ایران قرار دهد. از این رو محصولات تحقیق در امتداد پروژه بزرگتری تحت عنوان "جامعه‌شناسی ایران" قرار نمی‌گیرند؛ بلکه پراکنده، مجزا و بی‌ارتباط با یکدیگر در جامعه باقی می‌مانند. "تجزیه پژوهشها" نشان داده است که حوزه آسیب‌شناسی به عنوان یک حوزه جامعه‌شناختی جایی در ذهن پژوهشگران ما ندارد و اینان تنها سرگرم اجرای "پروژه خود" هستند، بدون آنکه خود را و تحقیق خود را در یک فرایند علمی در آن حوزه ببینند.

۱۰. بعد از چندین دهه، و انجام تحقیقات و پژوهشها، هیچ تعامل و تعاطی روش‌شناختی" در جامعه ما شکل نگرفته است. مباحث روشی صرفاً ترجمه ناتمام و ناقص فرآورده‌های غربی

است. اساساً این بحث که روشهای رایج و به کار گرفته شده در ایران تا چه اندازه می تواند واقعیتها را درک کند، مغفول افتاده است. استفاده از روشهای رایج و معین در تحقیقات علوم اجتماعی بیشتر ناشی از "مد تحقیقاتی" است و فاقد پایه های بنیانی معرفت شناختی و روش شناسی است. در جوامع غربی روشها از روش شناسیها متولد شده اند، اما در جامعه ما روشها جدای از روش شناسی مورد توجه هستند. از این رو وجود مباحث روش شناسی به اندازه آموزش روش در دانشگاههای ما ضرورت دارد. برای نقد، رد، ترمیم و یا ابداع روشی نو در تحقیقات علوم اجتماعی به "گفتمان روش شناسی" میان پژوهشگران و دانشمندان این علم نیاز داریم. بنابراین ضعف بنیادین موجود در تحقیقات این است که روشها بدون هیچ استدلال نظری و روش شناختی در تحقیقات به کار گرفته می شوند. در صورتی که روشهای دیگری نیز وجود دارند (از جمله روش کیفی در مطالعات علوم اجتماعی) که مورد غفلت قرار گرفته است.

۱۱. اجرای طرحهای فراتحلیل ممکن است بتواند با شناسایی نقاط انفصال و انقطاع پژوهشها، آنها را به یکدیگر ملحق کند و از این طریق علاوه بر استفاده و به کارگیری نتایج طرحها زمینه مناسب برای دستیابی به سوی دانشی بومی صورت پذیرد. از اینرو فراتحلیل با تفکیک حوزه های تخصصی تر به مدت هر پنج سال یکبار در تحقیقات ایرانی پیشنهاد می شود. امید است بدین ترتیب ضعفهای دیگر پژوهشها شناسایی و ترمیم گردد و فرایند بهینه سازی تحقیقات روند مطلوب خود را طی کند.

پیشنهادها و راهکارها

پیشنهادها و راهکارها را می توان در سه بخش آموزشی، پژوهشی و برنامه ریزی تفکیک کرد که عملاً یکی از سازمانها تصدی آن را بر عهده دارد.

۱. بخش آموزش

در این بخش از مجموعه نتایج به دست آمده در فراتحلیل مطالعات انجام شده، می توان در تکوین مباحث علم آسیب شناسی کمک گرفت. لذا پیشنهاد می شود جزوه ها و کتابهای آسیب شناسی، بخشی از مباحث خود را به نتایج به دست آمده در مطالعات فراتحلیل اختصاص دهند و در صورتی که مطالعات فراتحلیل تداوم یابد، فصلهایی تحت این عنوان در کتب درسی

منظور گردد.

پیشنهاد دیگر این است که در جزوه‌ها و کتابهای درسی روش تحقیق، بخشی از فصلها به مباحث فراتحلیل و ارزیابی مجدد تحقیقات اختصاص داده شود. بدیهی است نقد روش‌شناختی پژوهشهای انجام شده در متون درسی می‌تواند فرایند بهینه‌سازی روشهای تحقیق در علوم اجتماعی را شتاب بخشد. بنابراین اطلاعات مربوط به وضعیت موجود روش در جامعه به طور مستمر در کلاسهای درس عرضه و کاستیهای روشی موجود در حوزه آکادمیک مورد بحث قرار می‌گیرد و از این طریق پژوهشها و نتایج تحقیقات به حوزه‌های آکادمیک متصل خواهند شد.

۲. بخش پژوهش

یکی از مشکلات تحقیق فقدان چارچوب معین مراحل تحقیقات اجتماعی است. هر دانشگاه و مؤسسه پژوهشی چارچوبی برای فرایند تحقیقات تدارک دیده است که با دیگری متفاوت است. پیشنهاد می‌شود که انجمن یا کمیته‌ای از استادان و پژوهشگران به صورت سالانه مباحث روش‌شناسانه تحقیقات اجتماعی را نقد و ارزیابی کنند و از جمله چارچوبی استاندارد شده از مراحل کار یک پژوهش را برای تمام مؤسسه‌ها و مراکز دانشگاهی ارائه دهند.

انجام دادن مطالعات موازی در سایر حوزه‌های علوم اجتماعی می‌تواند گستره دیگر تحقیقات را وسعت بخشد تا به وسیله آن روشهای تحقیق در علوم اجتماعی و پژوهشهای انجام شده از طریق آن، مورد ارزیابی و نقادی جامعه‌تری قرار گیرند. بنابراین برای بررسی جامعه‌تر ضرورت دارد در دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی مطالعات انجام یافته بررسی شوند تا در سایه اتصال نتایج این تحقیقات، نظام به هم پیوسته‌ای از وضعیت موجود در تحقیقات اجتماعی به دست آید.

براساس نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد.

الف. به مسائل و آسیبهای زنان، به اندازه مردان توجه شود.

ب. در مطالعه تحقیقات با عنوان بزهکاری جوانان و نوجوانان، تحقیقات دختران از پسران تفکیک شود. به عبارت دیگر تحقیقات به طور مستقل در زمینه مسائل دختران یا پسران انجام گیرد.

ج. در بررسی و مطالعه انحرافات، دختران از زنان، و پسران از مردان، جداگانه مطالعه گردند.

- د. به روشهای کیفی و همچنین روش مشاهده مشارکتی در برابر پرسشنامه توجه بیشتری شود.
- ه. در روشهای از نوع بررسی، برای روزآمد کردن تحلیل تحقیق از تکنیکها و مدل‌های تحلیل پیشرفته‌تر استفاده شود.
- و. نتایج تحقیق حاضر به صورت خلاصه در اختیار محققان و مراکز پژوهشی قرار گیرد تا ذهن پژوهشگران به پژوهشهای مربوط و مقوله فراتحلیل مطالعات انجام شده معطوف گردد.

۳. بخش برنامه‌ریزی

یکی از مهمترین هدفهای پژوهشها و تحقیقات آن است که نتایج خود را به مراکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری عرضه کنند. به نظر می‌رسد باید استراتژی خاصی اتخاذ گردد تا امکان استفاده از نتایج تحقیق در مراکز برنامه‌ریزی میسر شود. آزمون راهکارها و نتایج تحقیقات صحنه مناسبی برای ارزیابی مجدد آن تحقیقات خواهد بود. در سایه اتصال پژوهشها با سازمانهای اجرایی، در تحقیقات پویایی بیشتری را شاهد خواهیم بود.

پیشنهاد می‌شود که از طریق برگزاری سمینارها و جلسه‌ها و تدوین آیین‌نامه‌های مناسب، موجبات ارتباط و اتصال محققان با کارشناسان برنامه‌ریزی از یک طرف و استفاده از نتایج تحقیقات انجام شده در نظام برنامه‌ریزی از طرف دیگر فراهم گردد.

مآخذ

- آغاسی، محمد حسن (۱۳۶۸)، پژوهشی در مورد عوامل شدت جرم جوانان افغانی در تهران، زندانی در ندامتگاه قصر و قزل حصار، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- آقابخش، حبیب‌الله (۱۳۷۱)، رویکرد مددکاری اجتماعی در زمینه اثرات اعتیاد بر نظام خانواده، پروژه تحقیقاتی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۷۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان، جوانان اصفهان، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- امانت، حمید (۱۳۷۳)، بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- بشیری، حسین علی (۱۳۷۴)، بررسی رابطه جرم و جنایت با درآمد، تحصیلات، گرایش مذهبی، بعد خانوار، اشتغال، تأهل، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پاشازانوسی، نورالله (۱۳۷۴)، علل و انگیزه طلاق در شهرستان نوشهر، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پیران، پرویز (۱۳۷۱)، بررسی اعتیاد و بازپروری معتادان، پروژه تحقیقاتی، سازمان بهزیستی کشور.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۲)، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی، پروژه تحقیقاتی بخش جامعه‌شناسی شهری و کار و صنعت مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران.
- جوانی، فریبا (۱۳۵۵)، خانواده و انحرافات، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حسنی، محمد مهدی (۱۳۵۵)، بررسی سرقت نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت شعبه تهران، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- زمانی پور، خلیل (۱۳۶۶)، بررسی رابطه از هم گسیختگی خانواده، فقر اقتصادی و اعتیاد با جرایم سرقت و فروش مواد مخدر، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه

تهران.

- زنده دل، حمزه (۱۳۷۴)، پژوهش پیرامون علل و انگیزه‌های خودکشی در استان گیلان، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۱)، در یوزگان، پژوهشی در شناخت تکلی در ایران، پروژه تحقیقاتی، سازمان بهزیستی کشور.
- ساسان، سیروس (۱۳۷۱)، تحقیقی نظری در باب طلاق به همراه پژوهشی در شهرستان رشت، رساله کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- سیف‌الهی ننه کران، حجت‌الله (۱۳۶۷)، بررسی علت‌های طلاق، پروژه تحقیقاتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سهراب زاده، مهرا (۱۳۶۶)، بررسی تأثیر و تداخل پاره فرهنگ زندانیان در پروسه اجتماعی شدن مجدد، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شریفی قادری، محمدتقی (۱۳۷۵)، شناخت وضعیت و مشخصات مجرمین محبوس در زندانهای شهر تهران و تبیین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم آنان، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شفیع زاده، احمد (۱۳۷۴)، زمینه‌های اجتماعی کجروی با تأکید بر تأثیر خانواده بر گروه همال بر انحرافات اجتماعی جوانان تهران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- شهسواری، محمد جواد (۱۳۶۳)، مباشرت، شرکت و معادت در جرم کلاهبرداری، رساله کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- صالحی، صادق (۱۳۷۴)، بررسی تطبیقی میزان سرقت در استان مازندران طی سالهای ۷۲-۱۳۷۰، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- صدیق سروسرستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۲)، فاصله فروماندگی تا فرومایه‌گی، (نگرش جامعه‌شناختی به ویژگی‌ها و وضعیت زنان و دختران آسیب‌دیده، اجتماعی در مراکز بازپروری، پروژه تحقیقاتی، موسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- عبدی، عباس (۱۳۷۳)، مسائل اجتماعی قتل در ایران، پروژه تحقیقاتی، ناشر جهاد دانشگاه.
- علیوردی، اکبر (۱۳۷۳)، بررسی تطبیقی میزان خودکشی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فاروقیان، مسعود (۱۳۵۶)، بررسی علل بزهکاری نوجوانان، رساله کارشناسی، دانشکده

- علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فتاحی، بهروز (۱۳۷۰)، *بررسی علل اجتماعی خودکشی*، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قاسمی، مریم (۱۳۷۰)، *عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری جوانان*، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قائمی زاده، محمد سلمان (۱۳۷۰)، *بررسی انحرافات اجتماعی (سرقت) در شهر همدان*، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کاشانی مهر، علی اکبر (۱۳۷۱)، *سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری کودکان و نوجوانان*، رساله کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کرمی، حمید رضا (۱۳۷۴)، *بررسی علل و عوامل مؤثر بر ارتکاب قتل عمد در استان لرستان*، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کشکولی، مریم (۱۳۷۴)، *مطالعه تطبیقی دگرگشی جنائی در استانهای ایران*، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
- محقق، عبدالایمان (۱۳۶۹)، *سرقت مستوجب حد در حقوق کیفری ایران*، رساله کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- محمد نژاد، پرویز (۱۳۷۲)، *علل گرایش به مواد مخدر و تأیید آن در ارتکاب جرم*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی، زهرا (۱۳۷۲)، *بررسی تأثیر خشونت والدین بر رفتار نوجوانان دانش آموز*، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مرجایی، سید هادی (۱۳۷۲)، *بررسی تأثیرات ضعیف فضای کنترل خانه، مدرسه، دوستان بر بزهکاری نوجوانان شهر تهران*، پروژه تحقیقاتی با همکاری شورای اجتماعی استان تهران، ستاد مطالعات و تحقیقات اجتماعی استانداری تهران.
- مرکز تحقیقات و پژوهش‌های قوه قضائیه (۱۳۷۳)، *بررسی علل و انگیزه‌های روابط نامشروع در تهران بزرگ*، پروژه تحقیقاتی.
- منوچهری، مهدی (۱۳۷۳)، *خانواده و آسیب‌های اجتماعی*، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- موحد مجد، مجید (۱۳۷۵)، *ارزشهای اجتماعی و سرقت*، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- نبوی، عبدالحسین (۱۳۷۴)، بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر در شیوع جرائم در جامعه شهری اهواز، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- همتی، رضا (۱۳۷۵)، بررسی علل وزمینه‌های اجتماعی دستگیرشدگان به اتهام مواد مخدر در زندان تبریز، رساله کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

مآخذ دیگر

- دواس (دی.ای) (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات پژوهشگاه، تهران.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۶۷)، تحلیل نظریه‌های مربوط به کجرویهای اخلاقی، مجله علوم تربیتی، شماره ۱ و ۲، تهران.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۲)، جزوه آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Scherpenzeel, A. (1997) "The Validity and Reliability of Survey Question: A Meta-analysis of MTMM Studies", *Sociological Methods and Research*. Vol. 25, No. 3.
- Thompson, D. "Job Satisfaction in Educational Organization: A Synthesis of Research Findings", *Educational Administration Quarterly*. Vol. 33, No.1.
- Wolf, F. *Meta-analysis*, London: Sage Publications.